

[ملاک در تمایز علوم 1](#_Toc504471281)

[حل تداخل بعضی از مسائل علوم به وسیله ملاک در تمایز بودن غرض 2](#_Toc504471282)

[اشکال: تدوین دو علم در صورت ترتب دو غرض 2](#_Toc504471283)

[جواب: بعید بودن ادعای مسشکل و عدم عقلائیت ان 2](#_Toc504471284)

[اشکال: صحت ادعای تمایز علوم به موضوع در کنار صحت ادعای تمایز علوم به اغراض 3](#_Toc504471285)

[جمع بندی 3](#_Toc504471286)

[ما هو موضوع علم الاصول 4](#_Toc504471287)

**موضوع**: موضوع علم اصول /ملاک در تمایز علوم /مقدمات علم اصول

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل گفته شد که به نظر مرحوم اخوند موضوع هر علمی با موضوعات مسائل متحد است این مطلب را هم از قاعده سنخیت میتوان استفاده کرد و هم از عبارت ایشان میتوان این قاعده را استفاده کرد در حالی که وجود موضوع در هر علمی از اساس انکار شد. از جمله مطالبی که مرحوم اخوند مطرح کردند تمایز علوم از یکدیگر است که ایشان ملاک تمایز علوم را به اغراض میدانند و از این رهگذر مشکل تداخل علوم در بعضی از مسائل را حل کردند و فرمودند که از این حیث که در یک مساله چند غرض وجود دارد و از هر حیث یک جهتی از اغراض را تامین میکند فلذا ممکن است در چند علم بحث شود.

# ملاک در تمایز علوم

بحث در مورد کلام مرحوم اخوند بود[[1]](#footnote-1) که ایشان فرموده بودند تمایز علوم به اغراض است و بعضی تمایز را به موضوعات و بعضی محمولات و بعضی مانند صاحب فصول قائل به تمایز به حیثیات است و بحث های زیادی دراینجا شده است وچون این بحث ها ثمره ندارد به کلام مرحوم اخوند اکتفاء میکنیم. ایشان در ابتدا فرمود غرض واحد موجب وحدت مسائل میشود و اسم غرض را مهم گذاشته است یعنی اول غرض به ذهن میاید و بعد مدون به سراغ تدوین علم میرود و برای تحصیل ان غرض مسائلی راجمع اوری میکند و برای ان مسائل اسم خاصی بر میگزیند.

## حل تداخل بعضی از مسائل علوم به وسیله ملاک در تمایز بودن غرض

فلذا تداخل بعضی از علوم با بعضی دیگر حل میشود . مثلا نویسنده ای دنبال غرضی است و مسائلی را جمع اوری میکند و نویسنده ای دیگر به دنبال غرض دیگری است و مسائلی را جمع اوری میکند و در این بین ممکن است چند مساله با یکدیگر تداخل کنند چون ان مسائل درتحصیل چند غرض تاثیر دارند مثلا واژه امر هم در لغت و هم در علم بیان و هم علم اصول بحث میشود ولی هر کدام به خاطر یک غرضی ان را پی گیری میکنند. ای چه بسا در ابتدای کار مجموعه ای از مسائل یک غرض دارد ولی بعدا چند غرض از ان پیدا شود و در هر غرضی مسائل خاص خودش بحث شود مانند علم طب که در ابتدا به غرض صحت بدن مسائلی تدوین شد بعد روان ادمی یک مسائل خاص خودش و یا علم چشم پزشکی و غیره مسائل خاص خودشان را پیدا میکنند.

## اشکال: تدوین دو علم در صورت ترتب دو غرض

ما فرض مى‏كنيم كه دو غرض متلازمان باشند و بر هر مسئله‏اى كه يكى مترتب شد، ديگرى هم بشود. با اين فرض آيا مى‏توانيم بگوييم: گاهى برخى از علوم در تمام مسائل تداخل مى‏كنند و با اينكه دو علم هستند، ولى در جميع مسائل اشتراك مسائل دارند؟

### جواب: بعید بودن ادعای مسشکل و عدم عقلائیت ان

مرحوم آخوند در اين مورد دو جواب مى‏دهند:

1-چنين فرضى كه دو علم در جميع مسائل تداخل بكنند، بسيار بعيد بلكه از محالات عادى است. (اگرچه عقلا ممكن باشد) كجا مى‏توان يافت دو علمى را كه در عين دوگانگى تداخل صددرصد داشته باشند؟

2-برفرض وجود چنين تداخلى، مى‏گوييم: از نظر عقلاء قبيح است كه در اينجا دو علم تأسيس شود، دو كتاب مستقل تدوين شود، دو اسم و عنوان براى آن گذاشته شود، چون كار عبث و بى‏فايده‏اى است. و بايد كه در چنين فرضى يك علم و كتاب تدوين كرده و سپس يادآور شويم كه مسائل اين كتاب مى‏تواند هركدام از دو هدف متلازم را تأمين كند.هركس به منظور فلان هدف حركت مى‏كند اين مطالب را بخواند، و هركس به هدف ديگر مى‏خواهد برسد، باز اين مطلب براى او كافى است. و به‏همين‏صورت هركس بدنبال هر دو غرض مى‏باشد، باز همين مسائل براى او بس است.

پس اولا وحدت بخش مسائل غرض است و ثانیا تمایز علوم به اغراض است. نه اینکه تمایز علوم به تمایز موضوعات ومحمولات باشد زیرا در این صورت یک علم از علم های مختلف شده باشد چون موضوعات و محمولات با هم مختلف است.

#### اشکال: صحت ادعای تمایز علوم به موضوع در کنار صحت ادعای تمایز علوم به اغراض

اولا به مرحوم اخوند نیز نقض میشود به اینکه طبق مدعای شما هر علمی تبدیل به چند علم میشود زیرا هر بابی یک غرض دارد مثال یک غرض این است که فاعل ها را مرفوع بخوانند و اشتباه نکنند

ثانیا: اگر امر عقلایی شد همان طوری که عقلاء تمام مسائلی که در تحصیل یک غرض دخیل است جمع میکنند هکذا انها موضوع جامع را ملاک در تمایز قرار میدهند و چیزی که داعی عقلایی است که یک چیزی را یک علم قرار دهند این است که تحث یک عنوان جامع قرار دهند. منشا اینکه عقلاء یک علم را جدا میکنند هم غرض است و هم موضوع است و خود اخوند فرمود که موضوع با تمام مسائل متحد است فلذا نظر مقابل مرحوم اخوند ان جامع را ملاک برای جدایی علوم قرار میدهند. اگر سوال شود که سبب جدایی این علم از علم دیگری چیست؟ میتوان گفت که همان طوری که ان جامع بین مسائل موجب جدایی میشود، غرض نیز باعث میشود که ان علم از دیگری جدا بشود هر چند که نظر مرحوم اخوند اقرب به ذهن است فلذا گاهی اوقات غرض این قدر مهم است که همان را موضوع قرار میدهند.

اینکه ملاک تمایز علوم به حیثیات و یا سنخیات باشد درست نیست و عقلائیت ندارد. خلاصه تحلیل مرحوم اخوند به روش عقلاء نزدیکتر است و بحث های استطرادی نیز گاهی مطرح میشود ولی در راستای هدف و غرض است.

# جمع بندی

پس اولا لازم نیست که هر علمی موضوع داشته باشد( جامع بین مسائل علم) بلکه وجود محور کافی است ثانیا موضوع واحد نیز دلیل ندارد و بعضی از علوم دو موضوع دارد. ثالثا: موضوع عبارت است از اینکه حمل محمول بر او حقیقی باشد و الا استطرادی است مثل اعراب و بناء نسبت به کلمه کلام. مباحث استطرادی مباحثی است که حقیقتا حمل بر موضوع نمیشود ولی در غرض دخیل است و الا اگر در غرض دخیل نباشد که هیچ ربطی ندارد. رابعا اتحاد بین موضوع علم با موضوعات مسائل نیاز نیست که ماهوی باشد و همین مقدار که حمل حقیقی بشود کفایت میکند ولو اینکه از نوع کلی و فرد نباشد خامسا حقیقت یک علم عبارت است از مجموعه ای مسائل که در یک چیز وحدت داشته باشند که ان وحدت بخش اختلافی است که قول اقرب همان غرض است.

# ما هو موضوع علم الاصول

مرحوم اخوند فرموده است[[2]](#footnote-2) که در موضوع شناخت عنوان خاص دخالت ندارد ممکن است یک علمی موضوعی داشته باشد ولی ان را نشناسیم و ممکن است که خصوصیات ان را ندانیم و در موضوعیت موضوع، علم به خصوصیتش دخالت ندارد و موضوع علم اصول یک کلی است که با موضوعات مسائلش متحد است اما اینکه موضوع علم اصول ادله اربعه بما هی ادله یا ادله بما هی هی باشد درست نیست. زیرا ادله اربعه بما هی ادله اگر موضوع باشد همان طوری که مرحوم صاحب فصول گفته است[[3]](#footnote-3) خیلی از مباحث علم اصول از علم اصول خارج میشود زیرا بحث از وجود موضوع از مبادی علم است نه اینکه از خود علم باشد زیرا حجیت انها مفروغ عنه است. و اینجا بحث از وجود موضوع علم اصول است فلذا قید بما هی ادله را حذف کرده است.

1. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص7.](http://lib.eshia.ir/27004//7/تمایز) [↑](#footnote-ref-1)
2. [کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج، ص8.](http://lib.eshia.ir/27004//8/موضوع) [↑](#footnote-ref-2)
3. [الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، محمد حسین الأصفهانی، ج، ص4.](http://lib.eshia.ir/13088//4/موضوع) [↑](#footnote-ref-3)